گاه نما

شاعری که گرد جهان را گشت

به مناسبت سالروز درگذشت علی باقرزاده «بقا»، شاعر مطرح مشهدی

خراسانی| درباره علی باقرزاده متخلص به «بقا» و شخصیت و زندگی و شعرش بارها نوشته و گفته‌اند. در این مطالب به مواردی چون دوستی این شاعر فقید مشهدی با نویسندگان و شاعران -محمدعلی جمال‌زاده، غلامحسین یوسفی، مهدی اخوان‌ثالث، محمدرضا شفیعی کدکنی و ...- پرداخته یا از ارتباطش با رهبر انقلاب یاد شده است. همچنین خودساختگی و بازرگانی او که مانع از تحصیلات عالیه‌اش شده و تفکیکی که میان کار و شاعری قائل بوده و یا فعالیت‌های نیکوکارانه باقرزاده مورد توجه قرار گرفته است. اما نکته‌ای که شاید کمتر درباره‌اش سخن رانده‌اند، علاقه آن مرحوم به نوشتن زندگی‌نامه است.

نوشتن رویدادهایی که در طول زندگی یک انسان رخ می‌دهد، به قلم خود او، پیشینه‌ای کهن دارد و تا حدود ۲۰۰۰ سال برایش تاریخ قائل شده‌اند. این اتفاق به‌ویژه برای مشاهیر عرصه قلم فراوان رخ می‌دهد و شخصیت‌های بسیاری از پلوتارخ تا ماکسیم گورکی و سیمون دوبووار وقایع زندگی خود را نوشته‌اند. در ایران نیز کسانی چون محمد قاضی، سیمین بهبهانی و هوشنگ مرادی کرمانی شرح خاطراتشان را منتشر کرده‌اند.

یکی از این خودزندگی‌نامه‌نویسان علی باقرزاده بقاست که افزون بر کتاب‌های پژوهشی و مجموعه شعرهایی که از خود و دیگران منتشر کرد، آثاری مبتنی بر شرح سرگذشت خود به چاپ رسانده است. «در پیچ و خم زندگی: خاطرات هشت دهه عمر» مهم‌ترین کتابی است که در این زمینه می‌توان به آن پرداخت. او در این اثر کوتاه که در ۸۸ صفحه در سال ۹۳ به چاپ رسیده است، در ۸ بخش، خاطرات خود را از دوره‌های مختلف زندگی شرح داده است. هر بخش دهه‌ای از زندگی او را در بر می‌گیرد. برای نمونه، در بخش نخست، او خاطراتی از خانه پدری‌اش در مشهد و ماجراهای کودکی روایت می‌کند یا در بخش دوم به روزهای خروج رضاشاه از ایران و اشغال کشور به دست قوای روس و انگلیس در شهریور سال ۱۳۲۰ می‌پردازد. در همین قسمت، ماجرای بیماری و عمل چشم و درگذشت پدر را شرح می‌دهد.

عشق و جوانی و ازدواج از وقایع معمول زندگی عموم انسان‌هاست. شاعر فقید مشهدی نیز از این موارد غفلت نمی‌کند و در زندگی‌نامه‌اش آن را ذکر می‌کند. در این میان گاه به اتفاقاتی که زمانی کشور را دستخوش نگرانی کرده است نیز می‌پردازد مانند زلزله مهیب گیلان.

او از رابطه‌اش با شعر و کتاب می‌گوید و رخدادهایی مرتبط را که حتی می‌تواند اندوهبار باشد به ثبت می‌رساند مانند درگذشت دوست پنجاه‌ساله‌اش، شادروان محمد قهرمان، دیگر شاعر مطرح خراسانی.

یکی از علایق مرحوم باقرزاده سفر و گشت‌وگذار به جای‌جای ایران و جهان است، قسمت‌هایی از کتاب «در پیچ و خم زندگی...» خاطره‌هایی از سفرهای او را به شهر اجدادی‌اش، یزد، و نیز کشورهای هندوستان و عراق و افغانستان و آمریکا و جز این‌ها را در بر می‌گیرد.

او در کتاب‌هایی دیگر نیز به شکلی جداگانه درباره این سفرها نوشته است مانند کتاب «سیر آفاق».

علی باقرزاده در یازدهم تیر ۱۳۰۸ در مشهد به دنیا آمد. پدرش بازرگانی یزدی‌تبار بود که با درگذشتش در هجده‌سالگی علی، سبب شد او بار اقتصادی خانواده را به دوش بکشد و نتواند تحصیلاتش را دنبال کند. با این حال، از خواندن و سرودن غافل نشد. او در مدرسه‌های «ایران» و «مهدیه حاجی عابدزاده» زبان‌های انگلیسی و عربی را فرا گرفت و از محضر استادانی چون محمدتقی ادیب نیشابوری و قاسم رسا بهره برد. بقا در کنار بازرگانی و شاعری کارهای نیکوکارانه و عام‌المنفعه‌ای چون ساخت مدرسه و خوابگاه دانشجویی را صورت داد و همچنین در کارنامه‌اش عضویت در هیئت امنا و ریاست هیئت مدیره بنیاد دانشگاه فردوسی مشهد دیده می‌شود.

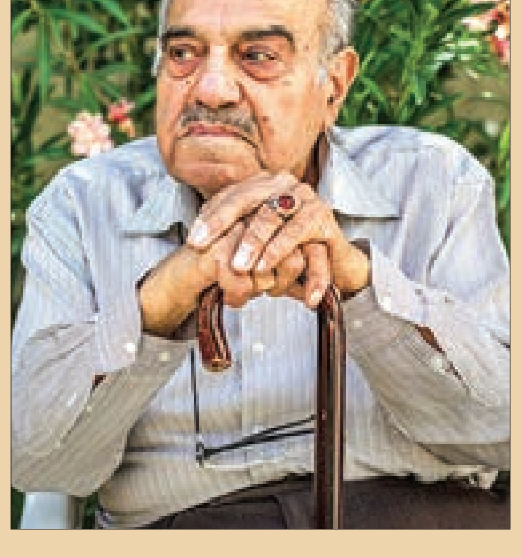

از این شاعر و نویسنده کتاب‌هایی منتشر شده است که نمونه‌هایی از آن ذکر شد. دیگر آثارش عبارت‌اند از: «لطیفه‌ها»، «زندگی‌نامه و شعر عبدالوهاب طراز یزدی»، «ده مقاله»، «چهل حدیث»، دیوانش «زلال بقا» و ... .

۱۹ آذر ۱۳۹۵ تاریخی است که او در شهرش، مشهد، برای همیشه چشم بر جهان گذران بست.

فراسو

آیا پیراندللو فاشیست بود؟

درنگی به مناسبت سالروز درگذشت نویسنده بزرگ ایتالیایی*

هدی جاودانی| لوییجی پیراندللو (۲۸ ژوئن ۱۸۶۷ - ۱۰ دسامبر ۱۹۳۶) خود را فاشیست خطاب می‌کرد، اما اثبات اینکه او فاشیست بوده کار دشواری است. نویسندگان به‌ندرت آن شخصیتی هستند که خودشان به آن باور دارند و بیشتر به شخصیتی بدل می‌شوند که دیگران از آن‌ها سراغ دارند. این موضوع در مورد بسیاری از نویسندگانی که نامشان سال‌ها پس از مرگ نیز بر زبان‌ها جاری است اهمیت پیدا می‌کند و پیراندللو یقینا یکی از این نویسندگان است.

آثار او همچنان به آینه‌ای می‌مانند که به‌آسانی می‌توانیم خود را در آن‌ها به نظاره بایستیم. اما پاسخ به این پرسش که آیا پیراندللو واقعا فاشیست بوده است یا نه، چندان آسان نیست. چطور می‌توان یک انقلابی آزادی‌خواه را آن‌گونه که خود او یا دیگران می‌گویند، دنباله‌رو موسولینی و فاشیست خطاب کرد؟! خالق نمایشنامه‌هایی که همچنان می‌توان آن‌ها را با مین‌های عمل‌نکرده ویرانگری در زیر صندلی تمامی حاکمان مقتدر دنیا یا با تمامی باورها و قوانین و کلیشه‌های پذیرفته‌شده، در مقام مقایسه قرار داد!

کلمات پیراندللو، خود، به‌دشواری در پاسخ به چنین پرسشی هشدار می‌دهند: «زندگی قطعه غم‌انگیز مضحکی است؛ ما در درون خود، نیاز داریم تا پیوسته، با خلق یک واقعیت، خود را فریب بدهیم بدون آنکه علت این نیاز را بدانیم، واقعیتی که هیچ‌گاه برای من و برای هیچ‌یک از ما یکسان نیست، واقعیتی که با گذر زمان، آن را بیهوده، تهی و توهمی بیش نمی‌دانیم.»

پیرمردان رُم هنوز تصویر مبهمی از پروفسور پیراندللو در هنگامی که حدودا ۵۰ سال داشت، پیش از سال ۱۹۲۰، به خاطر دارند، مرد متشخصی که همواره لباس‌های شسته‌روفته و منظمی به تن و ظاهر آرامی داشت، با چشمانی خاکستری و ریشی مطابق مد زمانه. دوستانش بعدها از خصوصیتی شیطانی در شخصیت او یاد می‌کردند: هنگامی که مردم با او سخن می‌گفتند، پیراندللو معمولا یکی از ابروانش را بالا می‌انداخت و صورتش را به گونه‌ای خم می‌کرد تا بتواند نگاهی از بالا به پایین به آن‌ها بیندازد، نگاهی که به نظر از اعماق جهان مردگان در زیر زمین برمی‌خاست.

برای چند دهه، پیراندللو آثار بسیاری، از شعر گرفته تا مقاله و داستان کوتاه و رمان، نوشت که برخی از آن‌ها واقعا به‌یادماندنی بودند، اما کسی تمایلی به چاپشان نشان نمی‌داد و او وادار می‌شد تألیفاتش را تنها به مجلات ناشناس و محلی بفروشد. پس از مدتی، کارهایش مورد توجه چند منتقد قرار گرفتند و شناخته و تحسین شدند اگرچه او همچنان شهرت نداشت. نکته دیگر اینکه پشتکار و توان بالای پیراندللو نیز مورد ستایش قرار می‌گرفت. همه این‌ها و جزئیاتی دیگر، تعریفی از او ارائه می‌داد که در بازه سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱ به کلی در هم کوبیده شد. تمامی ویژگی‌های گذشته در او کم‌رنگ شدند و او به طرز خیره‌کننده‌ای دنیا را به تصویر کشید. پیراندللو شروع به خلق آثاری کرد که درک خود و دیگران را به طور شگفت‌آوری، در سراسر اروپا و آمریکا متحول کرد. انتشار ۲ نمایشنامه شاهکار از او در این بازه، «۶ شخصیت در جست‌وجوی یک نویسنده» و «هانری چهارم»، دیگر نمایشنامه‌های او را به دست فراموشی سپرد. در سال‌های منتهی به جنگ جهانی اول، پیراندللو توانست وحشت و تردید مشترک میان تمامی انسان‌ها را به نمایش بگذارد. او فیلسوف نبود، اما بدون شک شاعری بود که حقایق پنهان را با شعرهایش توصیف می‌کرد.

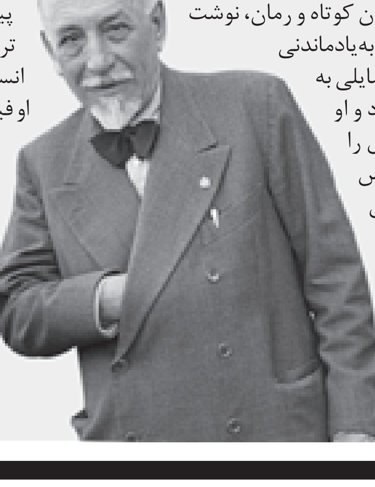

اما پیراندللو قلبا و آشکارا در بازه سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ از جنبش فاشیسم حمایت کرد. زمانی که از او خواسته شد تا به صورت قانونی به عضویت حزب دربیاید، در نامه‌ای خطاب به موسولینی سرسپردگی بی‌چون‌وچرایش را اعلام کرد: «فکر می‌کنم اکنون زمان مناسبی برای خدمتگزاری من است. اگر حضرت‌عالی مرا لایق این جایگاه بدانید، با کمال افتخار عضو کوچکی از حزب شما خواهم شد.»

علت گرایش او به پیروی از موسولینی و علاقه‌اش به این رهبر فاشیست را می‌توان این‌چنین توضیح داد که در دوران جنگ جهانی اول، بسیاری از نویسندگان جوان آوانگارد روحیه‌ای جنگجو و شورشی داشتند و به یکی از ۲ طرفِ راست یا چپ افراطی می‌گراییدند. علاوه بر این، پیراندللو از اهالی جزیره سیسیل در ایتالیا بود و با خشونتی که امثال موسولینی در مبارزه با دشمنان خود به کار می‌بردند، بیگانه نبود و به آن تمایل نشان می‌داد.

او موسولینی را همانند پدرخوانده دلسوزی می‌دید که برای از بین بردن دشمنانش چاره‌ای جز به کار بردن خشونت ندارد. با این همه، او هیچ چیز از سیاست نمی‌دانست و نویسنده‌ای بود که تنها به احساساتی سیاسی گرفتار آمده بود. پیراندللو به عنوان مرد صحنه تئاتر، دوست داشت نمایش بی‌نقصی را شاهد باشد، بازیگر نقش اول این نمایش تأثیرگذار باشد، طراحی لباس خیره‌کننده به نظر بیاید، دیالوگ‌ها محکم و سرسخت ادا شوند، بازی‌ها مهیج و شورانگیز جلوه کنند و چشم‌اندازی بی‌نظیر به وقوع بپیوندد.

*برگرفته از مقاله نیویورک‌تایمز، منتشرشده در مارس ۱۹۷۳

کتابخوان

محروم از درد، ناکام از عشق

درباره رمان «درد نهفته» نوشته اندرو میلر

فرمند| شاید خوشی و شادی با وجود درد و رنج بیشتر معنا پیدا کند یا به چشم بیاید و لذتش بیشتر شود اما به نظر می‌رسد فلسفه وجود درد چیزی ژرف‌تر از این مسئله است. در درد و رنج این ظرفیت هست که انسان غافل را به خود آورد و از ویژگی‌های ناپسندی چون سنگدلی و خودخواهی دور سازد. اندرو بروک میلر، نویسنده بریتانیایی رمان «درد نهفته»، -که ترجمه فارسی آن به‌تازگی به بازار کتاب ایران آمده است- احتمالا در این اثر چنین مفاهیمی را مدنظر داشته است. «درد نهفته» شرحی از ماجراهای گاه غریبی است که در سده هجدهم میلادی، هم‌زمان با عصر روشنگری، برای شخصیتی به نام جیمز دایر رخ می‌دهد. او همواره ناتوان از احساس کردن درد و لذت بوده است و از آنجا که درد جسمانی حس نمی‌کند، از احساساتی چون عشق و دلسوزی هم محروم است. جیمز در کودکی گرفتار یک گروه دوره‌گرد و بی‌رحم می‌شود. در ادامه به پزشکی کارکشته تبدیل می‌شود که در حرفه‌اش بسیار موفق و سرشناس است اگرچه در زندگی

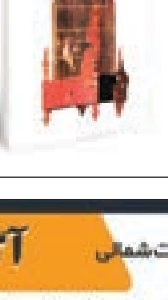

شخصی خود را کامروا نمی‌یابد. در پی رخدادهایی پای این پزشک کنجکاو به قیام گرجستان و سپس روسیه کشیده می‌شود. در شرایط ویژه سده هجدهم و رشد خردگرایی از سویی و فراگیر شدن بیماری آبله از سوی دیگر، او در موقعیتی قرار می‌گیرد که باید به ملکه کاترین کبیر واکسن آبله تزریق کند. اندرو میلر، نویسنده این رمان، در سال ۱۹۶۱م. در بریستول انگلستان زاده شد. او همچنین در کشورهای اسپانیا و ژاپن و ایرلند و فرانسه زندگی کرده است. در سال ۱۹۹۱م. تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته نوشتن خلاق در دانشگاه آنگلیای شرقی به پایان رساند. «درد نهفته» نخستین کتابش است که برای او جایزه یادبود جیمز تیت بلک، جایزه ادبی جهانی دوبلین و جایزه گرینزانه کاوور ایتالیا را به همراه آورده است. دیگر موفقیت این کتاب ترجمه شدن آن به ۳۶ زبان است. «درد نهفته» را نشر نو با برگردان فارسی منوچهر بیگدلی خمسه در ۳۹۱ صفحه به چاپ رسانده است.

آگهی مناقصه

موضوع: مناقصه نوبت دوم احداث دو دستگاه آسانسور جهت پل عابر پیاده بلوار رسالت شمالی

سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد اجرای عملیات احداث دو دستگاه آسانسور جهت پل عابر پیاده واقع در بلوار رسالت شمالی ۶۴ شامل خرید، نصب و راه اندازی، خدمات فنی و پشتیبانی، تعمیرات و نگهداری، نگهبانی و نظافت را به شرکتهای واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکتهای دارای گواهینامه مونتاژ آسانسور و پله برقی از وزارت صنعت، معدن و تجارت و ثبت نام شده در سامانه تأمین کنندگان شهرداری مشهد حداقل سطح ۸ دعوت می گردد در صورت تمایل جهت دریافت اسناد مناقصه به نشانی سامانه مناقصات و مزایدات شهرداری مشهد مراجعه نمایند. آخرین مهلت دریافت و ارائه پیشنهاد اسناد مناقصه: ساعت ۱۳:۱۵ روز پنجشنبه ۱۳۹۸/۰۹/۲۸ .مبلغ برآورد مناقصه: ۷.۷۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۳۸۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال. متقاضیان موظف به ارائه تأییدیه ظرفیت آزاد از مراجع ذی صلاح می باشند. ضمنا ظرفیت آزاد تا روز ابلاغ قرارداد می بایست تداوم داشته باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای ۶۵-۶۶ - ۳۱۲۹۸۰۴۱ تماس حاصل نمایید.

(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)

(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد) جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید

روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

فوتوشهر
www.photoshahr.ir

رویداد

گنجینه شرق در پایتخت به نمایش درآمد

آغاز به کار نمایشگاه «خراسان، سرزمین خورشید» با تجلیل از نخبگان استان

گروه ادبیات و اندیشه| نمایشگاه «خراسان سرزمین خورشید» با نکوداشت جایگاه فرهیختگان خراسانی آغاز به کار کرد. آیین گشایش هفتمین نمایشگاه استانی تاریخ محلی موزه کتاب و میراث مستند ایران با عنوان «خراسان سرزمین خورشید» روز گذشته برگزار شد. این برنامه به همت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و همراهی استانداری خراسان رضوی و نهادهای فرهنگی پژوهشی استان در تالار قلم همایش‌های بین‌المللی سازمان اسناد و کتابخانه ملی رقم خورد. در نمایشگاه «خراسان سرزمین خورشید» ۱۴۴ اثر تاریخی و نسخه‌های خطی و چاپی نفیس از اهالی فرهنگ و دانش خراسان رضوی تا ۲۸ آذر به نمایش درخواهد آمد.

مشهد به برکت امام رضا(ع)، مرکز علم و دانش است

در این برنامه، علامه مهدی محقق، ادیب و پژوهشگر برجسته، گفت: خراسان به معنی مشرق است و خربران در برابر آن قرار دارد و به معنی مغرب است که این کلمه به مرور تبدیل به خاوران و امروز خاور شده است.

او در ادامه، از پیشینه کهن خراسان یاد کرد و شهر بلخ را به عنوان نمونه‌ای از مهم‌ترین شهرهای این خطه و محل شکوفایی بسیاری از اندیشمندان مثال زد.

مدیر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک‌گیل، برکت وجود بارگاه امام رضا(ع) را سبب ظهور چهره معنوی خراسان و تبدیل شدن مشهد به مرکز علم و دانش دانست.

حفظ اسناد گذشته، حفظ هویت ماست

دکتر محمدجعفر یاحقی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، نیز با اشاره به پیشینه فرهنگی غنی مشهد و خراسان، صحبت‌هایی درباره پیشینه کتابخانه آستان قدس رضوی به زبان آورد. او گفت: روضه رضویه در سال ۳۲۷ هجری قمری وقف شده است و این گونه برمی‌آید که پیش از آن در این محل مرکزی بوده است که آثار و کتاب‌ها و قرآن‌ها و ... را در آن به یادگار گذاشته‌اند و این هسته اولیه کتابخانه حضرت است. در این کتابخانه اسناد مهمی وجود دارد که هویت تاریخی و فرهنگی ما را در خود نگه می‌دارد.

یاحقی ادامه داد: این اسناد می‌تواند از بسیاری از تحریفات تاریخ جلوگیری کند. بنابراین هرنوع اهتمام برای گردآوری این اسناد و مدارک، چه کتاب‌ها و چه اسناد موردی و موضوعی، می‌تواند هویت تاریخی و فرهنگی ما را از تحریف مصون نگه دارد.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی با بیان اینکه میراث مکتوب خراسان باید چیزی بیش از آن باشد که ما می‌شناسیم، تصریح کرد: امروز به برکت امکانات جدید فنی و فضای مجازی، بسیاری از اسناد و کتاب‌ها در دسترس است و باید بیشتر در دسترس قرار گیرد. بسیاری از کتاب‌های کتابخانه‌ها قبلا ناشناخته بود و با نشر دیجیتالی آثار، خیلی از آن‌ها در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار گرفته است.

این پژوهشگر فرهنگ از بسیاری از مدارکی یاد کرد که در دست مردم است و ممکن است از اهمیت آن آگاه نباشند. او سزاوار دانست که بودجه‌ای به گردآوری این اسناد در سراسر کشور و بیرون از مرزها اختصاص یابد و به استان‌ها و میراث مکتوب اهمیت داده شود.

انجمن خراسان شناسی در معرفی مشاهیر و مفاخر خراسان بکوشد

علیرضا رزم‌حسینی، استاندار خراسان رضوی، دیگر سخنران این برنامه بود. او از توصیه قرآن کریم به عبرت گرفتن ما از گذشتگان گفت و وظیفه محافل مهم فرهنگی و ادبی و رسانه‌ای مبنی بر تشویق مردم به مطالعه تاریخ گذشتگان را یادآور شد. استاندار خراسان رضوی تصریح کرد: در گذشته بسیاری از قلمروهای کشورهای همسایه جزو خراسان رضوی یا خراسان بزرگ بوده است و حتی برخی نویسندگان خراسان را مهد سیاست می‌دانند، بعضی هم معتقدند که خراسان سرزمین مادری زبان فارسی ایران است، هر دو موضوع شاید درست باشد اما خراسان در حوزه‌های مختلف کمتر شناخته شده است.

رزم‌حسینی در ادامه به ظرفیت خراسان در پرورش ادیبان، شاعران، اندیشمندان، عالمان، هنرمندان، ریاضیدان‌ها، مورخان و ... اشاره کرد و گفت: انجمن و دیگر مؤسسات مسئول در این راه، باید به عنوان رسالت خود برای معرفی مشاهیر و مفاخر خراسانی تلاش کنند تا جوانان ایران به این مهم افتخار کنند.

استاندار میراث پرافتخار ایران را به مثابه چراغ راه اصلاح رفتار و روش‌ها در روزگار امروز برشمرد.

جدیت شورای شهر درباره حفظ میراث فرهنگی

در ادامه، محمدرضا حیدری، رئیس شورای اسلامی شهر مشهد، با اذعان به ارزش والای میراث مکتوب و ملموس به عنوان نمادهای هویتی و سرمایه تمدنی ما و لزوم حفظ و انتقال آن به نسل‌های آینده، حرکت‌های نادرستی را که گاه در عرصه بین‌المللی مبنی بر ثبت میراث دیگران شکل می‌گیرد، نه برآمده از توجه به گردشگری، بلکه از موضع منافع ملی دانست.

او از توجه بایسته شورای شهر مشهد به این حوزه یاد کرد و افزود: ما نمادهای تمدنی بزرگی را در خراسان داریم که متأسفانه مورد غفلت قرار گرفته است. شورای پنجم مشهد به یکی از این میراث ماندگار، یعنی حکیم ابوالقاسم فردوسی که حق بزرگی به گردن زبان و ادب فارسی دارد، توجهی خاص داشته است. اگر به آرامگاه فردوسی قبل از این دوره مدیریت شهری مراجعه کرده باشید، با شرایط نابهنجار بصری روبه‌رو بوده‌اید که مایه شرمندگی ما در برابر گردشگران می‌شد.

حیدری ادامه داد: مدیریت شهری مشهد در ۳ فاز و با اعتباری معادل ۳۰میلیارد تومان جلوخان توس را در دست ساماندهی دارد که اقدامی ماندگار و ارزشمند است. همچنین سعی کرده‌ایم تنها به بعد بصری فردوسی توجه نکنیم، بلکه در حوزه آشنایی نونهالان و نوجوانان با شاهنامه فردوسی هم کارهایی صورت دهیم. از این رو، طرح تدریس شاهنامه در مدارس ابتدایی مشهد را کلید زدیم. از سویی، حدود ۱۲ خانه تاریخی در اطراف حرم مطهر را در برنامه تملک قرار دادیم تا مرمت شود و در اختیار مردم و علاقه‌مندان قرار گیرد. ما در مدیریت شهری آمادگی داریم برای حفظ این میراث از امکانات موجود استفاده کنیم.

لزوم توجه بیشتر مجلس به حفظ اسناد

در بخشی دیگر از مراسم، حجت‌الاسلام نصرا... پژمانفر، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، از موارد زیادی یاد کرد که تاریخ ما دستخوش تحریف شده و نتوانسته است نسل بعدی را با واقعیاتی که باید، با صداقت و درستی روبه‌رو کند. او این امر را خطری بسیار جدی وصف، و خاطرنشان کرد: باید مراقبت کنیم تا همه حقایق با شکلی که تحقق پیدا کرده است به نسل‌های بعدی برسد. امروز مرکز اسناد تنها یک مجموعه نیست که اسناد کشور را مراقبت و محافظت می‌کند، بلکه مرکزی است که می‌تواند برای نسل‌های آینده زمینه مطالعه و درک و برداشتی واقعی را از حوادث گذشته به ارمغان بیاورد. پژمانفر یکی از برکات انقلاب اسلامی را توان مراقبت از اسناد و انتقال بدون تحریف آن به نسل‌های بعدی دانست. نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد حجم شایان توجهی از اسناد که از جاهای مختلف آورده شده و در حال از بین رفتن است، باید به‌سرعت ثبت و طبقه‌بندی و حفظ شود، امری که به اعتبارات و توجه بیشتر نیاز دارد.

تجلیل از نخبگان خراسانی در نمایشگاه سرزمین خورشید

اکبر شیخ، مدیر مرکز اسناد و کتابخانه ملی شمال شرق کشور، هم با ابراز امیدواری به مؤثر واقع شدن نمایشگاه «خراسان سرزمین خورشید» در معرفی بیش از پیش استان خراسان رضوی به همگان، به تجلیل از تعدادی از بزرگان و فرهیختگان استان در این مراسم اشاره کرد و گفت: این تجلیل به این معنی نیست که بزرگان و فرهیختگان همین تعداد هستند و باید بگوییم تعداد علما، فضلا، دانشمندان و پژوهشگرانی که قابل تجلیل هستند بسیار زیاد است.

او ادامه داد: با توجه دکتر بروجردی (رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران) ما تنها استانی هستیم که از ۵ فرهیخته در استان تجلیل می‌کنیم.

در آیین گشایش هفتمین نمایشگاه استانی تاریخ محلی موزه کتاب و میراث مستند از جایگاه و خدمات حجت‌الاسلام مصطفی درایتی، محمدجعفر یاحقی، خانواده علامه عزیزا... عطاردی قوچانی، سردار جانباز غلامحسین صفایی، مرتضی کرباسی و استاد محمدرضا شفیعی کدکنی تجلیل شد.

عکس: حسین شریعت | شهرآرا

گفت‌وگو

مثلث تئاتر مشهد کامل است

گفت‌وگو با اتابک نادری، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون

غلامرضا زوزنی| اتابک نادری، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون، همانند بسیاری از اهالی تئاتر خاک صحنه خورده و جای خود را در هنرهای نمایشی باز کرده است. «متولد ماه مهر»، «هیوا» و «کمکم کن» ازجمله فیلم‌های سینمایی است که او خود را با بازی در آن‌ها به سینما و تلویزیون معرفی و جاپایش را محکم کرد.

او سال‌هاست در حوزه تئاتر و نمایش، فعال است و در شهرهای مختلف به‌عنوان داور در جشنواره‌های استانی و ملی حضور پیدا کرده است. نادری که چندی پیش برای داوری آثار نمایشی راه‌یافته به جشنواره استانی به مشهد آمده بود، در گفت‌وگو با شهرآرا، فرمول داشتنِ یک تئاتر پویا را ارائه کرد؛ راهکاری که نادری می‌دهد، با یکی‌دو روز فعالیت تئاتری و سه چهار اجرا عملی نمی‌شود. او باور دارد که اگر می‌خواهیم تئاتر پویا داشته باشیم، باید یک چرخه تولید تئاتر در شهرمان ایجاد کنیم. آنچه در ادامه آمده است، تلاش نادری برای تشریح جزئیات فرمول تئاتر پویاست.

به‌نظر شما حضور تئاترهای شهرستانی در جشنواره‌ها چه لطفی دارد؟

جشنواره محلی برای تبادل و هم‌افزایی است. حضور آن‌ها در جشنواره‌ها از این بابت مغتنم است. شهرستانی‌ها هم باید بدانند که حضورشان در این جشنواره‌ها برای تجربه‌اندوزی است نه برای رقابت.

قطعا هنرمندان شهرستانی هم دوست دارند آزموده شوند

«مقیاس یکی نیست.» این را من به‌عنوان یک کارشناس تئاتر شهرستان می‌گویم. امکاناتی که در تئاتر مشهد وجود دارد، در شهرستان‌های اطراف نیست. منظورم از امکانات، سالن و نور و... نیست. در اینجا چرخه تولید و چرخه ارائه تئاتر وجود دارد. این می‌شود که ما مشهد را یک شهر دارای تئاتر می‌شناسیم. هنرمند تئاتر در این شهر درحال استمرار و زایش آثار هنری خودش است. طبیعی است با فلان شهری که تنها منتظر فراخوان جشنواره است و سالی یک کار انجام می‌دهد و نه مخاطب دارد و نه چرخه تولید درستی دارد، قیاس‌شدنی نیست. برای داشتن تئاتر، چرخه تولید نباید معیوب باشد. گروهی که در این چرخه معیوب به تولید تئاتر مشغول است، نباید انتظار داشته باشد بتواند با گروه‌های هنری مشهد که حجم اجرای عمومی‌شان بسیار زیاد است، رقابت کند. چنین گروهی با علم به اینکه در چرخه تولید معیوبی کار می‌کند، می‌تواند واقع‌گرایانه به کارش ادامه دهد. من نظرم این است که ارزیابی تئاتر شهرستان‌های خراسان رضوی با مشهد، مانند مقایسه فیل و فنجان است. تکرار می‌کنم این موضوع نه به‌خاطر وجود سالن و نورافکن و امکانات و تجهیزات است، بلکه به‌خاطر هم‌افزایی‌ای است که در تئاتر مشهد به‌وجود آمده است. وقتی هنرمند در چرخه تولید قرار گرفته، طبیعی است که کارهای پخته‌تری ارائه کرده و حرفه‌ای‌تر است. درکل تئاتر مشهد تئاتری حرفه‌ای، مدعی و دفاع‌پذیر است که حرفی برای گفتن دارد. دیگر شهرستان‌های خراسان رضوی هم نسبت‌به کل کشور در سطح استانی مثل گلستان و شهرهای ساری و گرگان هستند ولی با تئاتر مشهد مقایسه‌شدنی نیستند.

اگر شهرستان‌ها بخواهند بیایند داخل آن چرخه‌ای که می‌گویید و بخواهند تئاترشان را مطرح کنند، باید چه کاری انجام دهند؟

من خودم بچه شهرستانم. تولید تئاتر به این مربوط نیست که تعداد هنرمندان تئاتر زیاد باشد. تعداد و کثرت افراد، یک ضلع از سه ضلع تئاتر هستند. ضلع دیگر تئاتر، مخاطب است. باید ببینند چقدر مخاطب دارند. اینکه مشهد موفق است، تنها به‌خاطر این نیست که تعداد تئاتری‌هایش بیشتر است یا تعداد تولید تئاترش زیادتر است. مشهد تئاتر موفقی دارد؛ چون مخاطب دارد. مخاطب پرورانده است. هدف آن‌هایی که تئاتر را در مشهد پایه‌گذاری کرده‌اند، یک سال و دو سال نبوده است. آن‌ها هدف درازمدتی داشتند و به مخاطب تئاتر اندیشیده‌اند. آن شهرستان‌هایی که تئاتر ضعیفی دارند و حرفه‌ای نیستند، قطعا هدف گذاری‌شان یک‌ساله بوده است. هرگز به این فکر نکرده‌اند که مخاطب را از ۱۰۰نفر به ۵۰۰نفر برسانند.

قبلا صحبت این بود که من مثلا اتابک نادری، کارگردان برگزیده جشنواره فلان هستم. این افتخارات اصلا مهم نیست. مهم این است که منِ کارگردان تئاتر، بیش از ۵هزار تماشاگر را به سالن تئاتر کشانده باشم.

ضلع سوم تئاتر، امکانات و تجهیزات است. باید ببینیم تماشاخانه دائمی در چند شهرستان وجود دارد. اگر ما از یک شهروند بپرسیم سالن تئاتر شهر شما کجاست و او بتواند پاسخ دهد، ضلع سوم تئاتر در شهر وجود دارد. اگر شهروندی نداند که شهرش سالن تئاتر دارد، معنی‌اش این است که این شهر تئاتر ندارد. هنرمند تئاتر و علاقه‌مند به تئاتر وجود دارد اما آن دو ضلع دیگر سر جای خودش نیست، حتی شده در شهرستان‌ها یک بلک‌باکس پنجاه‌نفره برای تئاتر اختصاص داده شود. کسبه بازار و مردم عادی بدانند که این مکان برای تئاتر است و هر شب یک تئاتر در این محل اجرا می‌شود. هر تئاتری می‌خواهد باشد. شهرستان باید این‌ها را داشته باشد که بتواند تئاترش را تقویت کند. بتواند حرف برای گفتن داشته باشد. شما می‌بینید مشهد اگر شاخص شده است، همه این سه ضلع را با هم دارد.

تهدید این بسترسازی که در سال‌های گذشته در مشهد فراهم شده است، چیست؟ چه چیزی به رابطه مخاطب با تئاتر آسیب می‌زند؟

تئاتر وقتی فصلی می‌شود، آسیب می‌بیند. تئاتری‌ها نباید بگذارند تئاتر فصلی شود. مشهد که در جشنواره‌ها کار موفق دارد، به‌خاطر این است که اجراهای عمومی موفق داشته است.

وقتی تداوم در تئاتر ایجاد شود، تئاتر روح می‌گیرد. تئاتری‌ها می‌دانند که اجرای شب اول با اجرایی که بعد از ۳۰شب تداوم روی صحنه می‌رود، کاملا متفاوت است. یک‌نوع مکاشفه و رسیدن به کشف و شهود است. این رسیدن در تئاتر فصلی اتفاق نمی‌افتد. بعضی تئاتری‌ها به‌اشتباه سراغ مسئولان را می‌گیرند، حال آنکه تنها یک طرف قضیه مسئولان هستند. پایه اصلی خود تئاتری‌ها هستند. مسئولی وجود ندارد که بیاید تماشاخانه دائمی ایجاد کند. او مسئول است، یا بودجه ندارد یا امکانات ندارد که هزاران دلیل می‌تواند داشته باشد. آن طرف ما باید خودمان را راه بیندازیم و در طول سال تولیداتمان را افزایش بدهیم و به‌طور مستمر اجرا کنیم تا هم تجربه خودمان افزایش یابد، هم مخاطب خودمان را پیدا کنیم.

مخاطبان در شرایط فعلی اقتصادی چطور می‌توانند همچنان تئاتر را در سبد خانوار خود داشته باشند؟

آن‌قدر باید تئاتر وجود داشته باشد که تبدیل به یک نیاز اجتماعی‌فرهنگی شود. مثلا زمان ما برای رفتن به تئاتر عموما با مخالفت والدینمان روبه‌رو می‌شدیم اما الان خدا را شکر با افزایش سطح سواد، آگاهی و فرهنگ مردم شاهد هستیم که فرهنگ تماشای تئاتر به نسل بعد منتقل شده است. چرا؟ چون تبدیل به یک نیاز شده که برای رفعش، محصولات متنوعی وجود دارد؛ چون به تماشاگر قدرت انتخاب داده‌ایم. البته پیش از همه این‌ها باید ضرورت قدرت انتخاب را به تماشاگر بدهیم. یکی از تئاترِ کمدی خوشش می‌آید، یکی تاریخی می‌پسندد و... . مهم این است که مردم فرهنگ تماشاخانه رفتن را یاد بگیرند. این هم میسر نمی‌شود جز با استمرار.

در قاب تلویزیون

تدارک گرم تلویزیون برای فصل سرد سال

۳سریال جدید، روی آنتن شبکه‌های سیما می‌روند

شکیبا افخمی‌راد| با نزدیک شدن به آغاز فصل زمستان، رسانه ملی فصل جدیدی از سریال‌ها را برای پخش از شبکه‌های مختلف تدارک دیده است؛ سریال‌هایی در ژانرهای گوناگون که هرکدام می‌توانند مخاطبان خاص خود را پیدا کنند. در ادامه به سه سریالی نگاه می‌اندازیم که تا این لحظه در جدول پخش برنامه‌های صداوسیما قرار گرفته‌اند.

سریالی با ۲بازیگر خراسانی

با پایان سریال «فوق‌لیسانسه‌ها»، شبکه۳ سیما از یکشنبه ۱۷آذر پخش سریال «وارش» به کارگردانی احمد کاوری که بخش زیادی از فعالیت‌های هنری‌اش را در مشهد گذرانده، آغاز کرده است. «وارش» که در ۳۴قسمت به قلم جابر قاسمعلی نگارش شده است، اقتباسی از رمان مطرح «مهاجران» هاوارد فاست است. این درام تاریخی‌عاشقانه با نام قبلی «بهترین سال‌های زندگی ما» روایت قصه پرفرازونشیبی است که از دهه ۳۰ آغاز می‌شود و به دهه حاضر می‌رسد. بازیگران مطرحی در این سریال به ایفای نقش می‌پردازند که ازجمله آن‌ها می‌توان به هدایت هاشمی و برزو ارجمند، دو بازیگر خراسانی و همچنین بازیگرانی چون علیرضا کمالی، بهنام تشکر، امیررضا دلاوری، داریوش کاردان، شهرام قائدی، رحیم نوروزی، رامین راستاد، مهدی امینی‌خواه، سهیلا رضوی و نیلوفر شهیدی اشاره کرد. مجموعه تلویزیونی «وارش» هر شب ساعت۲۰:۴۵ روی آنتن شبکه۳ می‌رود.

یک کمدی اجتماعی؛ روی آنتن شبکه یک

با پخش قسمت آخر سریال «به رنگ خاک» در شب گذشته، از جمعه ۲۲آذر، شبکه یک سیما مجموعه تلویزیونی «زیر همکف» به کارگردانی بهمن گودرزی را روی آنتن خواهد برد. براساس جدول پخش پیش‌بینی‌شده، سه‌شنبه ۱۹آذر خلاصه قسمت‌های یک هفته قبل و چهارشنبه ۲۰آذر پشت‌صحنه «به رنگ خاک» نمایش داده می‌شود و درنهایت از جمعه، آنتن شبکه یک دراختیار مجموعه تلویزیونی «زیر همکف» قرار می‌گیرد. این سریال یک کمدی اجتماعی است که معضلات روز جوان‌ها و دغدغه‌هایشان را از زبان دیگری به تصویر می‌کشد. هومن شاهی، خاطره حاتمی، بهادر مالکی، عزتا... مهرآوران، محمود جعفری، ویدا جوان، نگین معتضدی و سامان دارابی ازجمله بازیگران این مجموعه بیست‌وسه‌قسمتی هستند. «زیر همکف» از جمعه تا چهارشنبه هر شب، پس از بخش خبری ساعت ۲۱ از شبکه یک پخش می‌شود.

«از سرنوشت»؛ روی آنتن شبکه۲

شبکه۲ نیز قرار است سریال جدید «از سرنوشت» به کارگردانی سیدمحمدرضا خردمندان را از ۳۰آذر و هم‌زمان با شب یلدا روی آنتن ببرد. این مجموعه تلویزیونی در ۵۰قسمت و سه فصل، تهیه و تولید شده است. به‌گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، این روزها دو فصل اول این سریال، مراحل تدوین و صداگذاری را سپری می‌کنند و تصویربرداری فصل سوم آن نیز ادامه دارد. این مجموعه تلویزیونی با بازی بازیگرانی چون پوریا پورسرخ، مجید واشقانی، لیلا بلوکات، حبیب دهقان‌نسب، حسین پاکدل، مائده طهماسبی، سیدمهرداد ضیایی، علیرضا استادی، فریبا نادری و مهدی صبایی به سرنوشت دو کودک از سن کم تا جوانی می‌پردازد و محوریت آن، امیدبخشی و تلاش برای رسیدن به آرزوهاست. دارا حیایی، کیسان دیباج و فاطیما بهارمست نیز جزو بازیگران جوان این سریال به‌شمار می‌روند.

«شعبانخانی» درگذشت

یک ستاره از آسمان موسیقی کم شد

تورج شعبانخانی، هنرمند پیش‌کسوت موسیقی، پس از تحمل بیماری ریوی دیروز در سن شصت‌ونه‌سالگی درگذشت. او که با بسیاری از هنرمندان موسیقی ایرانی همکاری کرده‌است، فعالیت حرفه‌ای‌اش را با موسیقی متن و آهنگ‌سازی فیلم «آدمک» و معرفی فریدون فروغی شروع کرد. او بعد از انقلاب در ایران ماند و در این سال‌ها ضمن آهنگ‌سازی برای خوانندگان قدیمی، با هنرمندان بسیاری نظیر رضا آریایی، ناصر عبداللهی و محمدرضا عیوضی همکاری کرده است.

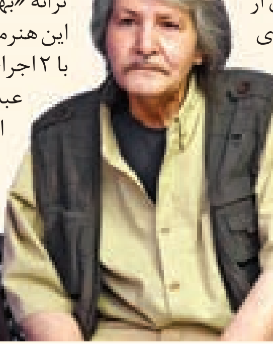

ترانه «بهار بهار» یکی از آثار ماندگار این هنرمند موسیقی است. این قطعه با ۲ اجرای خودش و زنده‌یاد ناصر عبداللهی در یادها مانا شده است. آهنگ محبوب «هنوزم چشمای تو مثل شبای پرستاره است» از دیگر آثار به یادماندنی اوست.

صاحب خبر

پخش «دورهمی» و «فرمول یک» در شب یلدا

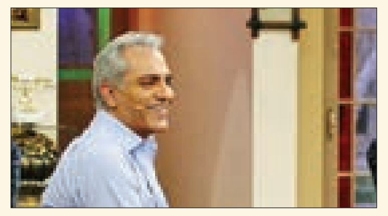

براساس اخبار منتشرشده در رسانه‌ها، به‌مناسبت شب یلدا دو برنامه پرطرفدار، با بخش‌های ویژه روانه آنتن خواهند شد. شبکه یک «فرمول یک» به تهیه‌کنندگی و با اجرای سیدعلی ضیا را در این شب روی آنتن خواهد برد. این برنامه پس از سریال شبانگاهی به مدت دو ساعت و با حضور چهره‌های مردمی پخش خواهد شد. در این برنامه که سعی می‌کند فضای شاد و مفرحی را برای مخاطبان رقم بزنند، خوانندگان، هنرمندان و بازیگران نیز حضور خواهند داشت اما دومین برنامه‌ای که روز گذشته خبر پخشش در رسانه‌ها دست‌به‌دست شد، «دورهمی» بود. بعد از گمانه‌زنی‌ها درباره پخش شدن یا نشدن سری جدید آن در طول هفته گذشته، سیدمصطفی احمدی، تهیه‌کننده «دورهمی»، در گفت‌وگو با تسنیم، از بازگشت این برنامه در شب یلدا خبر داده است. روز گذشته نیز مهران مدیری و سیدمصطفی احمدی با مدیر شبکه نسیم جلسه‌ای برگزار کردند تا برنامه دورهمی در آخرین روز پاییز روی آنتن برود. لازم به ذکر است که پخش برنامه دورهمی به‌دلیل برخی حواشی، در نوروز امسال متوقف شد.